یادداشت

## زنگزور و ژئوپلیتیک منطقه

سیدمصطفی حسینی
کارشناس مسائل بین‌الملل

در چند دهه اخیر، خاورمیانه شاهد شکل‌گیری بلوک‌های مختلف بوده که عمدتا حول محور روابط با قدرت‌های جهانی آمریکا -غرب، روسیه و چین و بحران‌های منشعب از آن شکل گرفته است. بلوک محافظه‌کار عربی به رهبری عربستان و متحدان، بلوک ترکیه و اخوان‌المسلمین به رهبری ترکیه، بلوک اسرائیل و متحدان در قالب پیمان ابراهیم به رهبری اسرائیل و بلوک محور مقاومت به رهبری ایران و متحدان. به‌طورکلی بلوک‌بندی خاورمیانه پویا و تحت تأثیر تحولات داخلی و بین‌المللی است. در رقابت ایران و عربستان، نقش ترکیه و حضور قدرت‌های خارجی مانند چین و آمریکا از عوامل کلیدی در شکل‌دهی به این معادلات هستند. هر سه بلوک بارها گرایش‌های خود را به سمت غرب نشان داده‌اند. آثار و تبعات ژئوپلیتیکی عوامل مذکور آن است که غرب و آمریکا به جای تهدیدهای رودررو با ایران درصدد تغییرات استراتژی بلندمدت در چهار فضای پیرامونی ایران براساس بلوک‌بندی‌های جدید منطقه‌ای و به تبع آن بن‌بست ژئوپلیتیکی به‌وجودآمده جهت فشار بر جمهوری اسلامی ایران برآمده‌اند. بن‌بست ژئوپلیتیکی یک دام استراتژیک است که خروج از آن نیازمند بازبینی و بازتعریف منافع ملی، انعطاف‌پذیری دیپلماتیک و بهره‌مندی از فرصت‌های جدید است. یکی از مصادیق این گزاره مخالفت ایران و روسیه با ارتباط‌گیری زمینی نخجوان از طریق گذرگاه زنگزور بوده که اخیرا آمریکا از فرصت پیش‌آمده استفاده کرده و این منطقه را از پاشینیان به مدت ۹۹ سال اجاره کرد تا شرکت‌های آمریکایی زیرساخت ارتباط جاده‌ای، لوله‌ای و اینترنتی دو بخش را انجام دهند. فارغ از انگیزه‌ها و تأثیراتی همچون تهدید امنیت ملی و مرزی، اختلال در توسعه اقتصادی و زیرساختی، نفوذ دشمنان خارجی، تأثیرات اجتماعی و روانی و تخریب محیط زیست و... که این گذرگاه و قرارداد داشته، مناسب است جمهوری اسلامی ایران با پیش‌بینی ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی از منظر استراتژی ملی، موارد مشابه دیگر را مدنظر قرار دهد تا بهترین نتیجه ممکن را با توجه به اهداف و محدودیت‌های موجود در سیاست خارجی به دست آورد. جمهوری اسلامی ایران باید مد نظر داشته باشد که با کشورهای جمهوری آذربایجان، روسیه، ترکمنستان و قزاقستان در ارتباط با کنوانسیون رژیم حقوقی خزر (۲۰۱۸) هنوز به نتیجه مطلوب نرسیده است و این موضوع خود می‌تواند در آینده‌ای نه‌چندان دور دارای پیامدهای ژئوپلیتیکی بالقوه‌ای برای جمهوری اسلامی به‌خصوص در ارتباط با آذربایجان به وجود آورد. در این برهه زمانی نباید فراموش کرد که مانند حوزه قفقاز، کشورهای حاشیه خلیج فارس در موضع خیلی حساس و شکننده‌تر ژئوپلیتیکی نسبت به آن قرار دارند. آنها برای تأمین امنیت خود به پیمان‌های نظامی با ایالات متحده وابسته بوده و نگران تهدیدات علیه ثبات و امنیت داخلی خود هستند تا جایی که در حال حرکت به سمت اسرائیل در قالب پیمان ابراهیم هستند. از طرفی ایران با همین کشورها اختلافات مرزی حل‌نشده‌ای دارد که برخی از آنها تاریخی هستند و برخی دیگر به مسائل ژئوپلیتیکی، منابع طبیعی یا حاکمیت بر مناطق خاص مربوط می‌شوند. بعید نمی‌نماید که در همین راستا این کشورها در قالب شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب، همکاری با غرب و اسرائیل در قالب صلح ابراهیم درصدد فشار دیپلماتیک بر جمهوری اسلامی ایران جهت رسیدن به خواسته‌های نامعقول خود به نقطه بحران نزدیک شوند و موجب فراهم کردن اسباب قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مناطق پیرامونی شوند (استفاده از نام جعلی به جای خلیج فارس). اختلافاتی که همانند موارد مشابه در آنچه در حوزه قفقاز رخ داده، می‌تواند نقطه عطفی در راهبرد جمهوری اسلامی ایران در آینده‌ای نزدیک به حساب آید. اختلاف با امارات متحده عربی بر سر جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک (۱۹۷۱)، اختلاف فنی با عراق بر سر اروندرود (قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر)، اختلاف با کویت بر سر میدان گازی دورا (آرش)، اختلاف با عربستان بر سر تقسیم بستر و زیربستر خلیج فارس و همچنین اختلاف با روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان بر سر رژیم حقوقی خزر، اختلاف با افغانستان بر سر حقابه هیرمند (۱۹۷۳). در پایان یادآور می‌شود جزایر سه‌گانه و دریای خزر از چالش‌برانگیزترین موارد ژئوپلیتیکی به حساب می‌آیند. هرچند برخی اختلافات مثل اروندرود تا حدی زیادی حل شده‌اند، اما مسائل فنی هنوز باقی مانده است. اختلافات آبی (هیرمند، اروندرود) با تغییرات اقلیمی شدیدتر نیز شده است که به روابط فی‌مابین سه کشور افغانستان، عراق و ایران تأثیر گذاشته است. براساس موارد بالا فرض مسلم است که جمهوری اسلامی ایران با نگاه هیبریدی و سیستمی به دستگاه سیاست خارجی می‌تواند استراتژی واقع‌گرایانه و مدونی جهت خروج از این بن‌بست ژئوپلیتیکی تداعی کند تا بلکه این اختلافات از طریق مجامع بین‌المللی یا توافق چندجانبه‌گرا بدون دخالت قدرت‌های خارجی حل‌وفصل شوند.

# سیاست‌گذاری در بیراهه

## پیامدهای آمارسازی در نظام حکمرانی

حسام محمدی
پژوهشگر اجتماعی

در دوره‌ای که تصمیم‌سازی‌های کلان بیش از هر زمان دیگری به داده‌های کمّی، شاخص‌ها و گزارش‌های آماری وابسته‌اند، یکی از عمیق‌ترین بحران‌های نادیده گرفته‌شده، بازتولید ناآگاهی از طریق تحریف سیستماتیک داده‌هاست. این پدیده که می‌توان آن را یکی از اشکال پیشرفته «دروغ نهادی» دانست، زمانی رخ می‌دهد که سازمان‌ها به جای بازنمایی واقعیت، به مهندسی واقعیت روی می‌آورند؛ جایی که گزارش‌ها نه برای کشف یا احیانا حل مسئله، بلکه برای خوب نشان‌دادن اوضاع نوشته می‌شوند. در این وضعیت، داده‌ها حاصل رصد میدانی و بی‌طرفانه نیستند، بلکه محصول فرایندهای طراحی‌شده برای اقناع مدیران بالادستی و حفظ ظاهر کارآمدی هستند.

تحریف آمار و عددسازی، هم در نظام‌های غیر بوروکراتیک و هم در بوروکراسی‌های پیچیده مدرن، شکلی از نجات‌یافتن از پاسخ‌گویی است؛ نوعی طراحی روایت که سیاست‌گذار را به طرز خطرناکی از واقعیت منفک می‌کند. چنین رویکردی در ادبیات علمی با عناوینی همچون شاخص‌سازی انحرافی یا تحریف معیارها شناخته شده است. جری مولر در کتاب «تله معیارها» به وضوح نشان می‌دهد که چگونه شاخص‌ها، وقتی از ابزار سنجش به ابزار نمایش تبدیل می‌شوند، حقیقت را قربانی ظاهرسازی می‌کنند. در این شرایط، شاخص‌های کمّی خود به هدف تبدیل می‌شوند و مدیران به جای حل مسئله، در پی بهبود ظاهری آن شاخص‌ها خواهند بود.

این بحران، شکلی از ناآگاهی سازمان‌یافته یا نادانی طراحی‌شده را به وجود می‌آورد که در پس آن عبور از واقعیت‌های اجتماعی نهفته است. برخی نهادها به طور آگاهانه داده‌های ناقص، انتخابی یا نادقیق تولید می‌کنند تا از نقد و حساب‌کشی در امان باشند. به این ترتیب، ساختار تصمیم‌گیری بر پایه اطلاعاتی بنا می‌شود که بیش از آنکه منعکس‌کننده واقعیت باشد، آینه خواست بالادستی‌ها است. از منظر یک سیاست‌گذاری اصولی، این امر پیامدهای فاجعه‌باری به دنبال دارد. تصمیماتی که بر مبنای داده‌های جعلی یا تحریف‌شده اتخاذ می‌شوند، نه‌تنها مسئله‌ای را حل نمی‌کنند، بلکه گاه خود به بخشی از مسئله بدل می‌شوند.

در برخی نظام‌های اداری، این تحریف از سطوح پایین و گاهی به دلیل احساس نیازی که از طرف بوروکرات‌های خیابانی احساس می‌شود، آغاز شده و در سطوح بالا تثبیت می‌شود. کارمندان در مواجهه با ارزیابی‌های بالادستی، به آمارسازی یا انتخاب گزینشی داده‌ها متوسل می‌شوند. این وضعیت، همچنین پدیده «عددگریزی» یا «عددپرستی» را دامن می‌زند. در جایی که نهادها از عدد و داده فرار می‌کنند تا مبادا در مظان سؤال یا اتهام قرار گیرند، یا در جایی دیگر که عددسازی‌های نمایشی و بدون پشتوانه فکری، تنها برای اثبات برتری یا موفقیت‌های واهی به کار می‌روند، هر دو وجه این افراط و تفریط، مانع شکل‌گیری عقلانیت سیاست‌گذارانه می‌شود. در نهایت، گزارش‌هایی که باید «چشم سیاست‌گذار» باشند، به ترفندهایی برای کورکردن و تحریف چشم‌انداز او بدل می‌شوند.

در کشور ما نیز فرایند آمارسازی، اعم از بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، جعل داده، ساختن شاخص‌های خوش‌نما و حذف واقعیت‌های تلخ، به یک پدیده مزمن در بسیاری از دستگاه‌های اداری و تصمیم‌ساز بدل شده است. از گزارش‌های غیرواقعی گرفته تا آمارهای انحرافی درخصوص شاخص‌های خرد و کلان، سبب شده تا در اغلب موارد آنچه منتشر می‌شود، نه انعکاسی دقیق از واقعیت، بلکه بازتابی از خواست تصمیم‌گیرنده برای موجه‌سازی سیاست‌های اتخاذشده باشد. این وضعیت را می‌توان «دروغ سیستمی نرم» نامید؛ شکلی از فریب که نه در قالب جعل علنی، بلکه در صورت‌بندی‌های تکنوکراتیک، ارائه گزینشی اطلاعات، پنهان‌سازی داده‌های مزاحم و تولید شاخص‌های دستکاری‌شده رخ می‌دهد. جیمز اسکات، در جایی که از «نگریستن از چشم دولت» سخن می‌گوید، معتقد است که دولت‌ها برای «خوانا کردن» جامعه به سراغ داده و آمار می‌روند، اما گاه این خوانایی، خود بدل به ابزاری برای تحریف و کنترل می‌شود.

عیان است که سیاست‌گذار در چنین بستری نه‌تنها ناکارآمد است، بلکه به مرور موجب بی‌اعتمادی عمومی، فرسایش سرمایه اجتماعی، انسداد مسیر اصلاح و بازتولید شکست‌های پیاپی در نظام تدبیر عمومی می‌شود. تصمیم‌گیرنده‌ای که با داده‌های خوش‌ساخت اما بی‌ریشه تغذیه می‌شود، بدون آنکه خود بداند، بر بستر توهم، نسخه‌هایی برای مسائل پیچیده می‌پیچد؛ نسخه‌هایی که نه‌تنها درمانگر نیستند، بلکه گاه خود به بیماری‌های مضاعف می‌انجامند.

در برابر این وضعیت، چاره‌ای جز بازسازی بنیان‌های داده‌محور در سیاست‌گذاری کشور نیست. نخست، باید نظامی از داده‌های ملی و عمومی با نظارت نهادهای مستقل دانشگاهی و علمی در نهایت شفافیت طراحی شود که در برابر تحریف‌ها مقاوم باشد. دوم، پیوست داده‌ای، مانند پیوست فرهنگی و محیط‌زیستی، باید برای تصمیمات کلان الزامی شود؛ پیوستی که نه‌تنها منابع داده، بلکه روش گردآوری و سوگیری‌های احتمالی آن را افشا کند. سوم، نباید صرفا به گزارش‌ها پاداش داده شود، بلکه باید صداقت در گزارش‌دهی نیز به‌عنوان یک شاخص اصلی در ارزیابی دستگاه‌ها لحاظ شود.

تحریف داده‌ها، حتی اگر در کوتاه‌مدت راهی برای فرار از مسئولیت به نظر برسد، در بلندمدت کشور را از مسیر توسعه واقعی منحرف می‌کند. بازسازی اعتماد عمومی بدون بازسازی صداقت نهادی ممکن نیست. هر عدد ساختگی، هر نمودار دروغین و هر گزارش جعلی، لکه‌ای است بر چهره عقلانیت در نظام حکمرانی. برای برون‌رفت از این بن‌بست، باید به جای زیباسازی صورت‌مسئله، شجاعت دیدن واقعیت را بازیابیم. تنها در این صورت است که سیاست‌گذاری می‌تواند بار دیگر به ابزار اصلاح و پیشرفت بدل شود، نه ابزاری برای استمرار توهم موفقیت. بازگشت به صداقت آماری مستلزم شفافیت ساختاری، مشارکت عمومی در داده‌کاوی، نظارت مستقل بر تولید اطلاعات و ایجاد مصونیت نهادی برای افشای واقعیت‌های تلخ است.

# میراث طبیعی در محاصره

ادامه از صفحه ۶

ولی به نظر من اتفاق حاد از تقاطع بزرگمهر به پایین افتاده: در خیابان فلسطین بعد از خیابان انقلاب تا خیابان جمهوری. جالب اینجاست که از خیابان جمهوری به سمت جنوب (به سمت خیابان امام خمینی که پردیس حکومتی آنجاست) باز هم درخت‌ها سالم است! بررسی تخصصی این موضوع کار من نیست، کار آدمی است که تخصص محیط‌زیستی دارد.

**پیشنهاد شما برای وضعیت درختان خیابان فلسطین چیست؟ موضوع به چه ترتیب باید پیگیری شود؟ فکر می‌کنید چطور باید موضوع را دنبال کرد تا لااقل درختانی که هنوز حیات دارند، وضع بدتری پیدا نکنند؟**

به نظر من گام اول این است که یک مطالعه انجام دهیم: این درختان در چه شرایطی هستند؟ برای درختان خیابان ولیعصر ما این کار را کردیم: درختان کهن داشتیم، خشک‌شده داشتیم، قطع‌شده داشتیم. همه را آمار گرفتیم (سال ۹۵ که من منتشر کردم). در ایسنا خانم کارگر آوردند اینجا هم عنوان کردم که چطور مثلا درختان غیرچنار، چنار جوان... همه را در سال ۹۵ در یک درس به نام «میراث شهری» با دانشجویان سرشماری کردیم. رفتیم با دانشجوها خیابان ولیعصر را کار کردیم. یک گروه روی ارزش‌های عاطفی کار کردند، یک گروه روی فضای فرهنگی، یک گروه روی کاربری عمومی، یک گروه روی سکونت و یک گروه روی درختان. قسمتی از آن در کتاب آمده به اسم «بنیان‌های خیابان ولیعصر». ببینید درمورد خیابان ولیعصر، استدلال من این بود که ولیعصر حاصل یک طرح شهری نبوده؛ بلکه یک خواسته حکمرانانه بوده. حتی خواسته حکومتی هم نبوده. من در آن کتاب ثابت می‌کنم که اگر خانه رضاشاه (که از کوچه کنار بیمارستان سینا می‌آید به جایی که الان کاخ مرمر است) جای دیگری بود، این مسیر تغییر می‌کرد. از وقتی که او به سالاریه آمد (در محل کاخ مرمر فعلی) و مدتی بعد باغی را در سعدآباد خرید که ییلاق و قشلاق کند برای رفت و آمد بین این دو خانه دچار مشکل بود و مجبور بود از داخل شهر به دروازه دولت برود و از آنجا از طریق جاده شمیران خود را به سعدآباد برساند؛ این راه را آسان و کوتاه کرد. خندق شمال شهر را پرکردند و جاده جدید شمیران را ساختند و نامش را گذاشتند جاده پهلوی.

**درمورد تاریخچه خیابان فلسطین چه نکاتی می‌شود گفت؟ این خیابان، قدیمی است ولی یک بافت ارگانیک ندارد و از این جنبه قابل توجه است.**

خوب، خیابان مهمی بوده. گفتم: آن بالاتر اراضی جلالیه بود. قسمت جنوبی‌تر مال فرمانفرما و حشمت‌الدوله. اینجا یک خیابان موازی ولیعصر بوده. ولیعصر در باغ‌های انگور بوده، اینجا هم یک راه بین اراضی. آب فرمانفرما (قنات فرمانفرما) آمد و این باغ‌ها را آبیاری می‌کرد... . بنابراین این قسمت اراضی فرمانفرما و پر از باغ بوده. ابتدا این خیابان در میان آن باغ‌هاست. در دوره مظفرالدین‌شاه در نقشه‌ای که اردشیر زارع تهیه کرده این خیابان هست. پایینش می‌خورد به باغ کامران‌میرزا (که الان دانشکده افسری است). رضاشاه این اراضی را به‌تدریج در اختیار می‌گیرد. پس این خیابانی بوده در میان باغ‌ها. از جهت موقعیت شهری جایی مثل لواسانات فعلی تهران. چون زمین بزرگ بوده. خانواده‌های پولدار می‌رفتند آنجا اما نظم هندسی داشت و ارگانیک نبود! افراز زمین اینجا اصلا براساس توپوگرافی تقسیم اراضی صورت نگرفته است. نقشه ۱۳۲۲ قمری را نگاه کنید (دو سال قبل از مشروطیت). می‌بینید مالکان زمین‌های بزرگ، خیابان‌کشی‌هایشان را قبل از اینکه شهر توسعه یابد انجام داده‌اند. اینها مثلا زمین‌خوارهای دوره قاجار بودند. مستوفی‌الممالک، فرمانفرما، ارباب جمشید، ارباب کیخسرو، اتحادیه و... از ملاکان بزرگ اواخر قاجار به حساب می‌آمدند.

**و این مجموعه اقدامات چه اثری روی ساختار این خیابان گذاشت؟**

همان‌طور که گفتید خط و ربط خیابان فلسطین کاملا هندسی است. چون قبل از هر اتفاقی، این اراضی تفکیک شده و هویت پیدا کرده بود. برای اینکه آدرس معلوم باشد، می‌گفتند: «بغل باغ حشمت‌الدوله، بغل باغ فلان...». ببینید الان بخش‌های جنوبی خیابان فلسطین جای حساسی است چون پردیس حکومتی است. حساسیت رویش زیاد است. یک اتفاقی که افتاده این است آن بخش نزدیک به پردیس حکومتی، درختان وضعیت خوبی دارند. خیلی نکته مهمی است.

یادداشت

## تغییر ساختاری در مهم‌ترین نهاد امنیتی

کیکاوس پورایوبی

تشکیل شورای دفاع ملی در ذیل شورای امنیت ملی کشور را پس از جنگ ۱۲روزه می‌توان از تحولات عمیق و ضرورت بازنگری در نوع آینده‌نگری و هوشمندی حکمرانی مطلوب در جهت دفاع و ارتقای امنیت ملی توصیف کرد که نشان می‌دهد کشور در زمینه مسائل دفاعی، امنیتی، لجستیکی، اطلاعاتی و... با چالش‌هایی مواجه بوده و لازم است در سریع‌ترین زمان برطرف شود. این اقدام در نوع خود میمون و مبارک است؛ اما سؤالی که همیشه مطرح می‌شود و ایستار درونی نخبگان و افکار عمومی آن را دنبال می‌کند، این است که چرا زمانی که کارد به استخوان می‌رسد؟ آیا در یک نهاد مهمی مانند امنیت ملی نیاز احساس نمی‌شد که تغییر نگرش و راهبرد باید صورت پذیرد؟ یا در نهادها و سازمان‌های دیگر نیاز به بازنگری نیست؟ سازمان‌هایی که در دهه‌های مختلف در حال حکمرانی، حاکم هستند، نیاز به پوست‌اندازی ندارند؟ کشور با این مشکلات ساختاری و زیربنایی در مدل مدیریت حکمرانی خود نیاز به چرخشی ندارد تا کمتر آسیب‌پذیر شود؟ سازمان‌ها و نهادهای کلانی که امروز بر کشور حکمرانی می‌کنند و مرتب مرتکب آزمون و خطا هستند، نیاز به بازنگری ندارند؟ پس از جنگ ۱۲روزه، به‌راحتی دیده شد که باید تغییر جهت داد تا ضربات وارده دشمن دفع شود، توان پدافندی و آفندی را افزایش دهیم و قدرت اطلاعاتی خود را بالا ببریم.

سال‌هاست که صحبت از نفوذ می‌شود؛ اما جدی گرفته نمی‌شد، پس نیاز به بازنگری بود. در دل دبیرخانه شورای امنیت ملی نیز اتفاق مهمی رخ داده که از دو جنبه می‌تواند شایان تأمل باشد؛ انتخاب فردی مانند علی لاریجانی به سمت دبیری این نهاد، اول از همه تیر خلاصی است بر هر نوع تفکر تندروانه که با اعتدال میانه خاصی ندارد و دوم چرخش خردمندانه و همچنین تقویت سیاست خارجی پرتحرک برای حل دیپلماسی گره‌خورده فعلی که نیاز به تحرک بالایی دارد. علی لاریجانی سیاست‌مداری است که هم با نیازهای جامعه آشناست و هم سابقه کار دیپلماتیک در کارنامه خود دارد و دنیا ایشان را خوب می‌شناسد و قطعا از تکاپو و صحبت‌های او استقبال خواهد کرد. به امید روزی که سایه جنگ از این کشور دور شده و تحریم‌های ظالمانه برداشته شود.

## جدول ۵۱۲۱ طراح: بیژن گورانی

**افقی:**

۱- سزاوار- داستانی نوشته انسیه شاه‌حسینی- پایتخت ایتالیا ۲- بسیار سرد- عاری از میکروب‌های زنده- دقت زیاد در جزئیات امری ۳- رفت‌وآمد زیاد- چهارپا- نیتروژن ۴- زمزمه‌کننده- طلق نسوز- غیرقابل تجزیه ۵- زندگی‌کردن- سروصدا ۶- از حبوبات- زندگی اجتماعی در جهت رشد و ترقی- غده فوق کلیوی ۷- خوشبخت- دردناک- تأیید خارجی ۸- پیش‌شماره تلفن- از تأثیرگذارترین چهره‌های فناوری دنیا و بنیان‌گذار اپل- میان ۹- حیثیت- گشاینده- کبوتر صحرایی ۱۰- شریک غم و غصه دیگری- همنشین- خطی در دایره ۱۱- از عناصر اصلی هنر کاریکاتور- دایره‌المعارف فرانسوی ۱۲- کیسه پول قدیمی- واحد شمارش چاه- به برنده مسابقه داده می‌شود ۱۳- نیروگاه شمال کشور- اندیشمندان- هماهنگ ۱۴- ولگردان- مجاب‌شده- نام آذری ۱۵- گروه هم‌سرایان- مجموعه داستانی به قلم غلامحسین ساعدی- از یاران امام حسین (ع)

**عمودی:**

۱- قدم یک‌پا- تمسک‌جوینده- خشمگین ۲- دنیای باقی- به دار آویختن- از عناصر نمایشی و تجسمی تئاتر ۳- از انواع عکاسی خبری- از مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده هوا ۴- قصیده‌سرای عهد قاجار- رئیس پاسبانان شهر را می‌گفتند- پیش‌درآمد آشغال ۵- خوشحال- بر مرکب نشسته- یک‌دهم ۶- خالکوبی- گوجه‌فرنگی- درگذشته ۷- طرف- واضع جدول تناوبی عناصر- از رایج‌ترین ابزار طراحی ۸- فلاکت و بدبختی- واحد اندازه‌گیری نیرو- آدمکش ۹- نوعی توپ فوتبال- سوره پنجاه‌وهشتم قرآن- فرورفته ۱۰- لازم- شب‌زنده‌داری کردن- لابیرنت ۱۱- زادگاه حضرت ابراهیم (ع)- رسوم- برگشت داده‌شده ۱۲- خاک سفالگری- سعادت و خوشبختی- بی‌ارزش ۱۳- نوعی ترانه شاد نواحی جنوب ایران- آقای فرانسوی ۱۴- کاشف الکل- قبیله‌ها- نسوان ۱۵- شکلی هندسی- دستور- روز گذشته

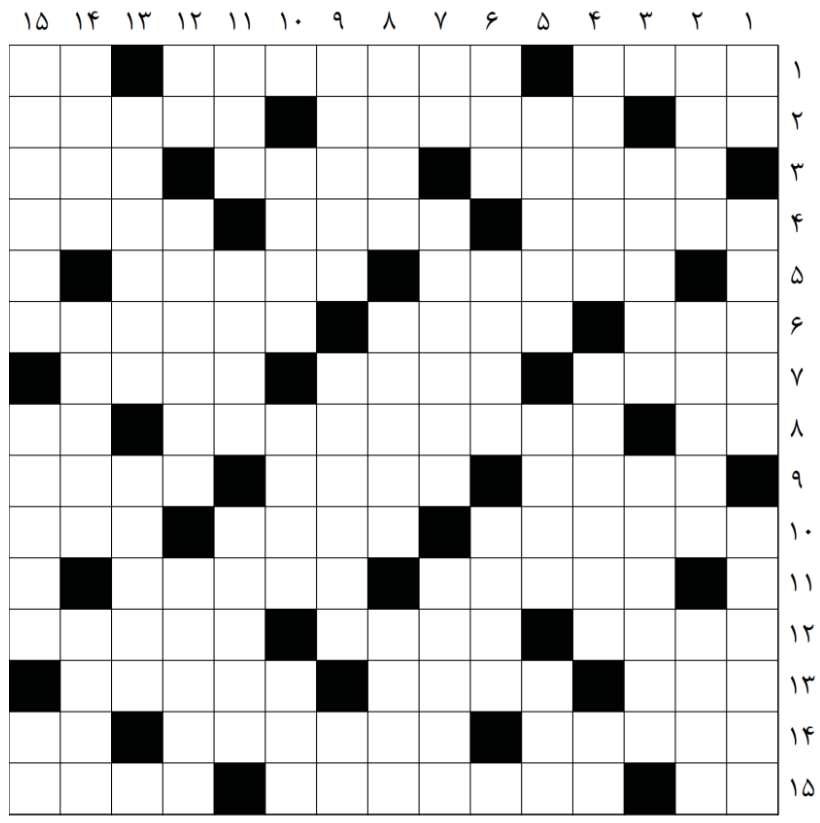

### حل سودوکو ۴۱۱۶

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۸ | ۳ | ۲ | ۶ | ۷ | ۴ | ۹ | ۵ |
| ۵ | ۶ | ۹ | ۳ | ۴ | ۱ | ۲ | ۸ | ۷ |
| ۲ | ۷ | ۴ | ۵ | ۸ | ۹ | ۱ | ۳ | ۶ |
| ۹ | ۲ | ۱ | ۴ | ۳ | ۵ | ۷ | ۶ | ۸ |
| ۳ | ۴ | ۶ | ۹ | ۷ | ۸ | ۵ | ۲ | ۱ |
| ۸ | ۵ | ۷ | ۶ | ۱ | ۲ | ۹ | ۴ | ۳ |
| ۷ | ۹ | ۲ | ۸ | ۵ | ۳ | ۶ | ۱ | ۴ |
| ۶ | ۱ | ۸ | ۷ | ۹ | ۴ | ۳ | ۵ | ۲ |
| ۴ | ۳ | ۵ | ۱ | ۲ | ۶ | ۸ | ۷ | ۹ |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۹ | ۷ | ۵ | ۳ | ۲ | ۴ | ۶ | ۸ | ۱ |
| ۴ | ۱ | ۳ | ۵ | ۶ | ۸ | ۷ | ۹ | ۲ |
| ۸ | ۲ | ۶ | ۱ | ۷ | ۹ | ۳ | ۴ | ۵ |
| ۱ | ۶ | ۴ | ۲ | ۵ | ۷ | ۹ | ۳ | ۸ |
| ۵ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۳ | ۱ | ۶ | ۷ |
| ۳ | ۹ | ۷ | ۶ | ۸ | ۱ | ۵ | ۲ | ۴ |
| ۶ | ۳ | ۸ | ۴ | ۱ | ۵ | ۲ | ۷ | ۹ |
| ۲ | ۴ | ۱ | ۷ | ۹ | ۶ | ۸ | ۵ | ۳ |
| ۷ | ۵ | ۹ | ۸ | ۳ | ۲ | ۴ | ۱ | ۶ |

### حل جدول ۵۱۲۰

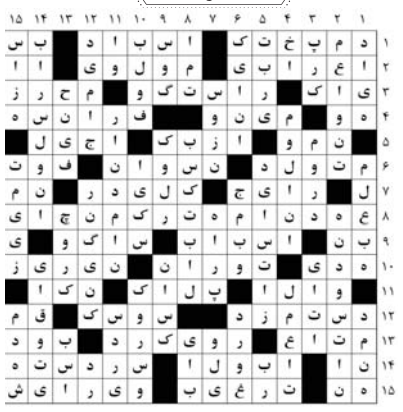

### سودوکو سخت ۴۱۱۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

**قانون‌های حل جدول سودوکو**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | ۲ | ۱ | | ۳ | | |
| | ۸ | ۲ | | | ۹ | | ۴ | |
| | | | ۶ | ۳ | ۴ | | | |
| ۵ | | ۶ | | | | | | |
| | ۴ | | ۸ | ۲ | ۶ | | ۷ | |
| | | | | | | ۱ | | ۴ |
| | | | ۷ | ۸ | ۳ | | | |
| | ۲ | | ۴ | | | ۹ | ۳ | |
| | | ۳ | | ۹ | ۲ | | | |

### سودوکو ساده ۴۱۱۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

**سودوکو**

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | | ۸ | | | ۹ | |
| ۱ | ۹ | | | | ۷ | | ۵ | |
| | | ۷ | | ۶ | | | ۱ | |
| | ۱ | ۶ | | | ۳ | ۹ | | ۴ |
| ۲ | | | ۹ | | ۵ | | | ۱ |
| ۳ | | ۹ | ۶ | | | ۵ | ۲ | |
| | ۵ | | | ۹ | | ۲ | | |
| | ۸ | | ۱ | | | | ۶ | ۹ |
| | ۲ | | | ۴ | | | | |